



روزنه‌ای به مفاهیم ادیان در دایرةالمعارف

دایرةالمعارف موجز آیین بودا

محمد جواد ادبی

شاید بتوان گفت در مجموع، این دایرةالمعارف تلاش کرده تا دین بودا را به گونه‌ای امروزی عرضه کند که در سراسر جهان دارای اقبال و اعتبار باشد. برای ایجاد علاقه‌های علمی بیشتر بین خوانندگان، در بسیاری از مداخل، کلمات خاصی با حروف بزرگ آغاز شده‌اند تا نشان دهند که بین این مدخل و ارجاع مستقل به آن کلمه نیز، ارتباطی برقرار است که می‌تواند اطلاعات مراجعه‌کننده را کامل‌تر کند. به دلیل توافق اندکی که بین مترجمان متون بودایی بر معادلات انگلیسی وجود دارد، اولویت با زبان‌های رسمی دین بودایی، نظیر سنسکریت، پالی، چینی، تبتی، ژاپنی، کرمانی و... است. تطبیق تلفظ نیز در حوزه‌های گوناگون دین بودایی، از نظر محققان مختلفی گذشته است. بر همین نسق، اصطلاحات هندی با توجه به معیارهای تلفظ سنسکریت و پالی مطابقت داده شده‌اند و دیگر معادلات در زبان‌های دیگر هم بدین نحو تهیه شده‌اند. به علاوه معادلات عمومی ترجمه‌شده و برخی تلفظ‌های آوایی در بسیاری موارد به منظور راهنمایی خواننده به مداخل مربوط، آمده است.

حتی بعضی معادلات خاص به سبب به کارگیری آن‌ها و استفاده چشم‌گیر در برخی کشورها مورد توجه قرار گرفته‌اند. گونه‌ای از واژگان در بیرون از هند نیز مورد توجه

و شاعری تترهای تبتی، و حتی تا دعوت خاندان چانزین سون به مراقبای عمیق برای ترک مستقیم و غیرمفهومی از واقعیت صائق، همه و همه را دربرمی‌گیرد. این گوناگونی‌ها و در کنار آن، فراوانی منابع آموزهای عملی - فلسفی، و وظیفه یک دایرةالمعارف عمیق اما فشرده را بی‌پروایانه بسیار سنگین و جسارت‌آمیز می‌کند. چراکه پژوهش‌گران و محققان اندکی هستند که بتوانند مدعای خود را مبنی بر دانش فراگیر و جامع نسبت به این سنت دینی به اثبات برسانند. پرمایگی این سنت می‌طلبد که کشف ساحت‌های جدید حتی برای کسانی که به این دین التزام دارند، به نحوی فراهم آید که تجربه‌های فراگیر از بازخوانی دوباره مفاهیم و آموزه‌ها به وجود بیاید. بدین جهت انتشارات معتبر (One World) در سال ۲۰۰۰ اقدام به انتشار دایرةالمعارف فشرده آیین بودا کرد که به سرویس‌استاری جان پلورز انجام پذیرفته بود. پلورز در این اثر کوشیده تا مداخل را به نحوی انتخاب کند که هم به صورت مقلمتی و هم به صورت تخصصی به پژوهش‌گران کمک رساند. انتخاب مداخل در جهت دربرگرفتن طیف وسیع‌تری از مفاهیم دین بودایی به انجام رسیده و با توجه به اهمیت آموزه‌ها، شعایر، آداب اصطلاحات و واژگان علمی، شخصیت‌ها و غیره صورت گرفته است.

اگر به تاریخ دوهزار و پانصد ساله دین بودایی توجه کنیم، نفوذ وسیع و همه‌جانبه آن را در تمام نقاط جهان به‌عینه مشاهده می‌کنیم. طی این دوران، فراز و نشیب‌های بسیاری بر این دین گذر کرده، از حمایت‌های سلطنتی بهره‌مند شده و در عین حال غایت بسیاری از تعقیبات سازمان‌یافته نیز بوده است. اما مع‌الوصف یکی از اصلی‌ترین سنت‌های دینی در جهان بوده و سهم بسزایی در ارتقای سطح فرهنگ جهانی داشته است. یکی از خصیصه‌های حایز اهمیت آیین بودا این است که، این سنت دینی به هر کشوری که وارد شد خود را با زبان، رسوم و حتی ساختار فرهنگی آن کشور سازگار کرد و از این روست که امروزه طیف بودایی‌گرایی نه تنها در چهارچوب‌های متفلوت با این دین بلکه حتی در میان سنت‌هایی که حناقل مشترکات را با آن دارند به چشم می‌خورد. ابزارهای برتر دست‌یابی به سطوح بالای آگاهی، رهنمون شدن به سوی تهائیتی رستگاران، همراه کردن ایمان با احترام و خضوع نسبت به بودایی پیشین و بودای آینده، گستره فراخی را فراهم آورده که از سنت آسیای شرقی "سرزمین پاک" که در آن امکان رستگاری برای مردمان عادی وجود دارد تا نقطه مقابل آن در مکتب ژاپنی نیچی‌رن و انحصار انکا به "سوره دل"، تا ایمان غیرعقلانی



و تأکید کمتری بوده‌اند که به معادلات دیگر آن‌ها، در زبان‌های مختلف یادشده توجه نشده است. آمیختگی مناخل در سراسر این دایرة المعارف به نحوی مدنظر بوده که موجب ایجاد تعادلی میان آموزه‌ها، شعایر، نظام‌های فلسفی، اسطوره‌شناسی، پیکره‌نگاری، هنر و تاریخ شود و از این رهگذر از پیچیدگی بعضی موضوعات کاسته شود. کتاب‌شناسی پایان دایرة المعارف نیز به حل این پیچیدگی کمک شایانی می‌کند.

راهنماهای شیوه تلفظ در این دایرة المعارف نیز حایز اهمیت هستند و زبان‌های گونه‌گون سنسکریت، پالی، تبتی، مغولی، ژاپنی، چینی، کره‌ای، ویتنامی و غیره را دربر می‌گیرند. از آن‌جایی که حروف و کلمات مشتق از این زبان‌ها در بسیاری موارد معادلات دقیقی در زبان انگلیسی ندارند و برای ناآشنایان با این زبان‌ها، نشانه‌های متمایزگر، اغلب موجب سردرگمی می‌شوند، راهنمایی کلی تلفظ می‌کوشد نظام آوانویسی یک دستی را در سراسر اثر ارایه کند. سنسکریت زبانی است که در هند قدیم مؤلفان دینی و غیردینی از آن بهره می‌گرفتند و به سبب کثرت گروه‌های زبانی شبه‌قاره، از سنسکریت به عنوان زبان رایج گفت‌وگوهای مختلف استفاده می‌شد و نظام زبان‌شناسانه برتری را همراه با مفاهیم فلسفی و موشکافانه عرضه می‌کرد.

اما بودا به پیروان خویش اصرار و تأکید می‌کرد که تعلیم وی را نه به زبان سنسکریت بنویسند و نه متون را به آن زبان ترجمه کنند؛ چرا که وی ترجیح می‌داد از زبان‌های بومی و محلی که توسط سطوح بیشتری از مردم فهم می‌شود استفاده کند اما پس از مرگ بودا، نویسندگان بودایی به نحو فزاینده‌ای به سمت سنسکریت‌گرایی رفتند و بیشتر تعالیم و کتب و نوشتارها در سنت مهاییانه به زبان سنسکریت است. زبان پالی نیز زبانی است که با شمال هند مرتبط است که زبان شاخه تیره واده است. سنسکریت و پالی از زبان انگلیسی حروف بیشتری دارند و بدین جهت قواعد آوانویسی خاصی را می‌طلبند که در این دایرة المعارف به آن‌ها پرداخته شده و حتی بخش‌بندهای پنج‌گانه آواناساسی حروف صامت و غیرصامت پالی و سنسکریت توضیح داده شده است. سیستم‌های مورد استفاده آوایی چینی، تبتی و ژاپنی هم در این دایرة المعارف توضیحات مبسوط خویش را دارا هستند. مثلا در مورد دو سیستم آوایی انگلیسی در زبان چینی در این دایرة‌المعارف سخن به میان آمده که عبارت اند از: "Giles-Wade"، که تا سال ۱۹۷۹ رسمیت داشته و "Pinrin"، که در زمان جمهوری چین ابداع شده است و در این دایرة المعارف البته از سیستم اولین استفاده شده است. از استاندارد آوانویسی زبان ژاپنی هم که همان سیستم "Hepburn" است سخن به میان آمده که به معادلات حرفی در الفبای رومی بسیار نزدیک است. در مورد زبان تبتی هم سیستم آوایی که تورل ویل^۲ آن را

ابلاغ کرد و توسعه داد انتخاب شده است.

در این دایرة المعارف سلسله‌های مختلف پادشاهان نظیر آشوکه که در توسعه دین بودا مؤثر بودند مورد توجه قرار گرفته‌اند و به مکتب‌های مختلف دین بودایی عطف نظر صورت گرفته، مثلا به مکتب محافظه‌کار و پیرو سنت قدیم تیرمواده که در سری لانکه، تایلند برمه لاتوس وجود دارد یا به مکتب پر اهمیت مهاییانه که در چین، ژاپن، کره و ویتنام مطرح است. به صورت وسیع و مبسوط پرداخته شده است. حتی موضوعاتی نظیر قوانین مطروحه دینی در کشورهایی مثل نیپال شمالی، مناطق هیمالیای مغولستان و تبت نیز مغفول نمانده است. مثلا به قوانین دوگانه تبتی با عناوین تعالیم "bka gyur" و رسالات "bstan gyur" و سیر تکامل آن‌ها توجه شده و تأثیر جاده ابریشم از شمال و جنوب و همراهی راهبان بودایی با کاروان‌های حرکت‌کننده در این مسیرها و توسعه تاریخی دین بودا مورد مناقه قرار گرفته است.

جان پاورز به همراه همکاران اصلی خود یعنی دیوید تملمن^۳، کریستین کوسرو^۴ و بن دورمن^۵ کوشیده در یک مجلد به نحو عمیق و کارآمد فشرده و گسترده آیین بودا را مورد بازخوانی دوباره قرار دهد و تاریخ سراسر گوناگونی دوهزار و پانصد ساله آیین بودایی را از دیدگاه دین‌پژوهی معاصر مورد ارزیابی قرار دهد و راهی جدید را فراراه بوداشناسان امروزمین تصویر کند. کوتاهی و فشرده‌گی مداخل این دایرة المعارف موجب شد که در این نوبت مناخل بیشتری ترجمه شود.

تولد دوباره (Rebirth)

آموزه تولد دوباره توسط همه مکتب سنتی آیین بودا مورد تولید قرار گرفته است. مطابق این آموزه موجودات ذی‌شعور و ملوک (در زبان سنسکریت به آن‌ها "ستوه" می‌گویند) در چرخه^۶ پیوسته و لاینقطع تولد مرگ و تولد مجده به جبران مغایات خویش می‌پردازند و شل^۷ و موقعیت کنونی وجود آن‌ها را اعمال و افعال ارادی پسین آن‌ها تعیین می‌کند (کرمه). از این رو این چرخه ناگزیر، شامل رنج و مرگ است. آیین بودا این امر را مفروض می‌گیرد که رهایی از چنین چرخه‌ای هدفی بس مطلوب و فریباست. این مهم به نتیجه نخواهد رسید مگر به واسطه به کار گرفتن اعمالی که در جهت فروکشستن این چرخه انجام بگیرد. مهم‌ترین این اعمال مراقبه^۸ در سرشت و ماهیت واقعیت است که فرد را قادر می‌کند در جهت تشخیص شیوه و سازوکار موجودیت اجباری گام بردارد و بتواند موانع رهایی را از میان بردارد. آموزه تولد مجدد برای بسیاری از بوداییان معاصر، پیچیده و مسئله‌ساز شده است؛ خصوصا برای نوکیشانی که در کشورهای غربی به این دین می‌گریند؛ چراکه محیط فرهنگی آن‌ها پذیرش چنین تصویری را برنمی‌تابد. این آموزه از جانب بوداییانی که در فرهنگ‌های سنتی بودایی می‌زیند، نظیر "بیکو

بوداسه ۱۹۹۳-۱۹۹۶"^۹ نیز مورد پرسش قرار گرفته است اما مع‌الوصف به نظر عموم بوداییان آسیایی آن جزوه آموزه اصلی بودایی است.

سنساره (samsara)

چرخه‌بی‌آغاز^{۱۰} حیات مرگ و تولد دوباره است که در آن موجودات عادی (پرنگ جنه)^{۱۱} گرفتار می‌شوند. آیین بودا معتقد است جهان، بی‌آغاز و بی‌انجام است و موجوداتی که در آن می‌زیند از حیاتی به حیات دیگر انتقال می‌یابند که چنین انتقالی تحت تأثیر اعمال ارادی و عملدانه^{۱۲} "کرمه" آن‌هاست.

آن‌ها به علت جهل (اوبدیا) نسبت به ماهیت راستین عموما به سمت اعمال و نگرش‌هایی تمایل دارند که منجر به نتایج منفی می‌شود. این سیر^{۱۳} منجر به رنج پیاپی (دوکه)^{۱۴}، نومیدی و مرگ می‌شود؛ لذا هدف آیین بودا نجات و رهایی فرد از این چرخه است. او تنها از طریق عمل دینی است که قادر می‌شود تا نگرش‌ها و گرایش‌های منفی خویش را تغییر دهد و شناخت شهودی مستقیم به ماهیت واقعیت را شکل دهد. عمل دینی، این چرخه را متوقف می‌کند و به آزادی کامل (نیروانه، موکشه) می‌انجامد.

نیروانه (nirvana)

آزادی از چرخه وجود (سنساره) است که هدف نهایی اعمال بوداییان است. این اصطلاح از پیشوند سنسکریتی "nir" به علاوه ریشه فعلی "va" ترکیب شده است که در معنای حقیقی کلمه عبارت است از "خاموش کردن" یا "فرونشاندن". این حالت زمانی حاصل می‌آید که رنج‌هایی نظیر عصبانیت‌ها، آرزوها و ایهام‌ها به کناری گذاشته شوند و فرد تأثیرات عوامل سرشتی را متوقف کند (= سنسکاره). در این مرحله انرژی‌هایی که منجر به تولد دوباره در چرخه وجود می‌شوند از بین می‌روند و فرد از دوره تولد مرگ و تولد مجدد رهایی می‌یابد.

نیروانه در ادبیات بودایی هم به صورت ایجابی و هم به صورت سلبی توصیف شده است. درباره آن گفته شده که توقف رنج (دوکه) است و نیز می‌گویند که آن حالتی آرام و فرامادی^{۱۵} (لوکوثره)^{۱۶} است. با بسط مفهوم و نگره بوداسف^{۱۷} در "مهاییانه"، این مفهوم مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. می‌گویند که بوداسف‌ها به سبب شفقت و ترجم بسیارشان، نیروانه خویش را به طاق نسیان می‌سپارند تا از این رهگذر موجب آزادی دیگران از چرخه حیات شوند. برخی متون دینی مهاییانه به این امر تصریح دارند که شناخت "هینه‌یانه" از نیروانه (که آزادی فردی شمرده می‌شود) بر طبقه‌بندی اشتباهی مقوله‌ای بنانهاده شده است؛ زیرا می‌توان گفت به لحاظ بنیادی تفاوت واقعی میان سنساره و نیروانه وجود ندارد و هر حالتی که فرد در آن می‌زیند نتیجه بینش‌ها و ادراکی است که انعکاسی از



اولوکیتمسوره (Avalokitesvara)

یکی از مهم‌ترین بوداسف‌ها در سنت مهاییانه آیین بوداست. او تجسم مهربانی و ترحم (کاروانا) است که تنها به واسطه حکمت خود یکی از دو صفت مشخصه ذهن آگاه بوداست. نام او به لحاظ ادبی به معنای "خلوندگاری" است که به زبردست می‌نگرد. این معنی حاکی از نگاه مشفقانه او به رنج‌های موجودات مدرک است. شاخصه‌های او به نحو بارز و مشهودی در بسیاری از سوره‌های مهاییانه نظیر چندین سوره که درباره کمال حکمت هستند در "سوکاوتی ویوها" ۱۶ که در آن وی یکی از بوداسف‌های سرزمین پاک آمیتاب‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد و در "سادهارما پونداریکا" ۱۳ که در آن وی شخصیت اصلی به شمار می‌رود وجود دارد. در این سوره وی به عنوان نجات‌دهنده موجودات در وحشت و سختی توصیف شده است. این سوره بیان می‌دارد که با اندکی تأمل و یادآوری نام او در نیایش، در زمان‌های پریشانی، می‌توان از حمایت او برخوردار شد. در دوره اولیه حکومت‌های آسیای شرقی، وی چنان مردی تجسم و تصویر می‌شد اما حداقل از قرن دهم به این سو، وی را چنان زنی در ربانی سفید ترسیم کرده‌اند و این تصویر در آسیای شرقی غالب بوده است. در تبت اولوکیتمسوره به مثابه خدای حامی کشور در نظر گرفته شده که یکی از تجلیات فیزیکی او در کالبد دالایی لاما نمایان شده است.

دانه (dana)

عموماً راجع به شیوه نگرش بلندنظرانه و سخاوت‌آمیز و در سنت مهاییانه اولین کمال از شش کمالی ۱۸ (پارمیتا) است که بوداسف در طی مسیر بودا شدن، آن را بسط و گسترش می‌دهد و می‌پرورد. این مرحله متضمن توسعه نگره رضایت خاطر است تا به واسطه بخشش موجب انتفاع موجودات ذی‌شعور شود. این کمال در اولین سطح حرکت بوداسف‌ای (بومی) ۱۹ پرورده می‌شود. در آیین بودای تیره‌واده "دانه" یکی از ده مراقبه و یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های ارزشمند است. "دانه" مؤلفه کلیدی در مسیر مراقبه چیرگی بر خودخواهی و سودرسانی مآل‌اندیشانه در زندگی کنونی و هم در حیات آینده شمرده می‌شود. در جوامع تیره‌واده معاصر، پرداخت صدقه به راهبان، توسط مردم عوام را نیز "دانه" می‌گویند و این عمل خود یکی از رایج‌ترین فعالیت‌های دینی غیرراهبان در جنوب شرقی آسیاست از آن‌جا که اعتقاد بر این است که هدیه‌ها و پیشکش‌های به سنگه بیش از هدایا به دیگر افراد ثواب در پی دارد. راهبان و راهبه‌ها در متون بودایی به مثابه "پهنه‌های وسیع ثواب" مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

ماره (Mara)

نگارهای اهریمنی که تلاش می‌کند تا از عمل دینی بوداییان جلوگیری کند و بدین واسطه رهایی آن‌ها را از چرخه وجود ادواری، مانع شود. در داستان‌های سنتی زندگی شاکیه‌مونی آمده است وقتی که او در زیر درخت بودی نشسته بود ماره خویش را به سیلارته گوتمه نمایاند و تلاش کرد تا او را از نیل به مقام بودا شدن باز دارد. اما چون نتوانست در این امر موفق شود کوشید تا از رسیدن تعالیم او به گوش دیگران ممانعت ورزد.

مطابق این اسطوره بودایی، ماره‌های بسیاری وجود دارند که هدفشان به جهالت انداختن انسان‌هاست. چهار نوع ماره وجود دارند که از یکدیگر تمایزپذیر هستند.

۱. ماره‌های تودهای (اسکنده ماره) ۲۰؛
۲. ماره‌های خلوندگارِ مرگ (مرتو ماره) ۲۱؛
۳. ماره‌های رنج و محنت (لکشه ماره) ۲۲؛
۴. ماره‌ای که فرزند خنایان است (دوبوتره ماره) ۲۳؛

مرگه (Marga)

اصطلاحی عام برای عمل بودایی که منجر به رهایی از چرخه وجود ادواری می‌شود. در میان چندین تقسیم‌بندی که درباره راه‌های آن انجام گرفته دو تقسیم‌بندی رایج‌ترین تقسیم‌بندی‌هاست:

۱. راه هشت‌گانه جلیل: شناخت درسته اندیشه درسته گفتار درسته کردار درسته زیست درسته کوشش درسته آگاهی و یکدلی درسته؛
۲. راه پنج‌گانه: طریق گردآوری و انباشته طریق تدارک و آماده‌سازی مسیر دینار و بصیرت، راه تأمل و مراقبه و سرانجام مسیر عدم فرآموزی بیشتر.

شونیتیه (Sunyata)

این مفهوم به همه پدیده‌ها فاقد ذات یا خود هستند وابسته به علل و شرایط آنسو همچین فاقد وجود ذاتی اند. بنابرین درباره اشخاص می‌توان گفت تپی از خود (در سنسکریت آتمن) ۲۴ اند؛ چراکه اشخاص، متشکل از اجزایی هستند که پیوسته در حال تغییرند و تحت تأثیر علل و شرایط گوناگون‌اند.

در مهاییانه مفهوم "تهیت" ۲۵ (شونیتیه) به همه پدیده‌ها، که گفته می‌شود تپی اند (درمه) ۲۶ اسناد داده می‌شود؛ زیرا پدیده‌ها از آن ناشی می‌شوند. اگرچه این امر اغلب در دیدگاه منتقدان، به عنوان آموزه‌ای پوچ‌گرایانه مشخص می‌شود اما مفهوم "تهیت" نزد بوداییان به منزله دیدگاهی مثبت به واقعیت تلقی می‌شود؛ چراکه این آموزه به طور ضمنی به این امر اشارت دارد که همه چیز به نحوی دایمی در حال تغییر است و به این واسطه "تهیت" به سوی افق آینده گشوده است. اگر اشیا ۲۷ از یک ذات بی‌تغییر برخوردار بودند تغییر واقعی، غیر ممکن می‌نمود و در نتیجه همه موجودات در موقعیت کنونی خویش فرو می‌رفتند. اما از آنجا که همه چیز تپی است این امکان برای موجودات

وجود دارد که هدایت این فرآیند تغییر را به دست بگیرند و آن را در جای‌جای زنجیره مادی-روانی خاص خود و در جهت مستقیم شفقت و حکمتی بزرگ‌تر و گسترش کیفیات ایجابی و حتی در جهت وضعیت بودا شدن به کار گیرند. باید توجه داشت در مهاییانه نیز درک مستقیم و بی‌واسطه از "تهیت" بر "کمال حکمت" تمرکز یافته است.

پرچینیا (Prajna)

عموماً این اصطلاح به بسط و گسترش درک و فهم شهودی اشاره دارد و نزد بوداییان یکی از مفاهیم کلیدی به شمار می‌رود. در مهاییانه "کمال حکمت" ششمین مرحله از مراحل استکمال (پارمیتا) ۲۸ به شمار می‌رود که در آن بودی‌ستوه در مسیر بودا شدن تربیت و پرورش می‌یابد. در مهاییانه این امر با مشاهده و دریافت بلاواسطه از تهیت (شونیتیه) شریک است و منجر به دست یافتن بودی‌ستوه به مرتب ۲۹ ششم (بومی) ۳۰ می‌شود. تنها با کاروانا ۳۱ (ترحم و شفقت) است که یکی از دو کیفیت اصلی بودی‌ستوه که سخت در طلب بودا شدن است محقق خواهد شد.

بی‌نوشت:

1. John Powers.
2. Turrell Wylie.
3. David Templeman.
4. Christian Coseru.
5. Ben Dorman.
6. Round.
7. State.
8. Meditation.
9. Buddhadasa Bhikkhu.
10. Beginningless.
11. Prthag- Jana
12. Process.
13. Duhkha.
14. Supramundance.
15. Lokottara.
16. Suk Havati- Vyuha.
17. Saddharma Pundarika.
18. Perfection.
19. Bhumi.
20. Skandha-mara
21. Mrtyu-mara
22. Klesa-mara
23. Devaputra-mara.
24. Atman
25. Emptiness
26. Dharma
27. Things
28. Paramita
29. Level
30. Bhumi
31. Karuna